

دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس جلسه 20، سوالات متداول دی. ای. کارسون از کتابش مرجعیت پایدار کتاب مقدس مسیحی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه بیستم، سوالات متداول دی. ای. کارسون از کتابش، «*اقتدار پایدار کتاب مقدس مسیحی*» است.

من با سوالات متداول و پاسخ‌های آنها، در انتهای کتاب «اقتدار پایدار کتاب مقدس مسیحی»، ویرایش شده توسط دی. ای. کارسون، ادامه می‌دهم تا برخی از این گنجینه‌ها را با شما به اشتراک بگذارم.

امیدوارم بعضی از شما این کتاب را بخرید و بخوانید، اما در هر صورت، شما بهترین نتیجه را می‌گیرید. شما از برخی از این مقاله‌ها نتیجه می‌گیرید و این ارزشمند است. آنها ارزشمند هستند.

بسیاری از محققان نشان دادند که مسیحیت در خاستگاه خود، از نظر الهیاتی بسیار متنوع بوده و ۱۴.۱ وحدت آموزه‌ها به تدریج و به طور سختگیرانه‌ای توسط گروهی که خود را تنها ارتدوکس می‌دانستند، اعمال شده است، فرآیندی که سه یا چهار قرن طول کشید. پاسخ: مطمئناً، این موضع طرفداران پر و پا قرصی داشته است. این موضع به لطف کتابی از والتر باوئر در دهه ۱۹۳۰ رواج یافت و امروزه بدون شک برجسته‌ترین مروج آن بارت ارمن، مسیحی انجیلی سابق، است. اما شواهد واقعی خلاف این را نشان می‌دهند.

اینطور نیست که از میان مواضع الهیاتی متعدد، یکی پیروز بیرون آمده باشد، بلکه از میان یک دیدگاه الهیاتی مشترک، بدعت‌های متنوع بسیاری پدیدار شده‌اند. بنابراین، تز باوئر، همانطور که نامیده می‌شود، نوشته‌های پولس و پطرس را بیان می‌کند. کتاب اعمال رسولان در غلاطیان آشکار می‌کند که یک الهیات پطرس و یک الهیات پولس وجود داشته است، و آنها در جناح‌های مختلف و غیره علیه یکدیگر بوده‌اند.

کارسون می‌گوید نه، او خلاصه‌ای از نویسنده‌ی فصل چهاردهم این کتاب را ارائه می‌دهد. نه، وحدت اساسی وجود داشت و بدعت‌های متنوعی که توسط کلیسا غیرقانونی اعلام شده بودند، از درون آن دیدگاه واحد سر بر آوردند.

چه شواهدی این ادعا را تأیید می‌کند که کار باوئر و اخیراً ارمن را باطل می‌کند؟ اولاً، در صفحات عهد، ۱۴.۲ جدید، با دقت به آنچه عیسی نشان می‌دهد، وحدت الهیاتی بسیار بیشتری از آنچه گاهی ادعا می‌شود، وجود داشت.

نشان داده شده است که حواریون نزدیکترین افراد به عیسی بودند و توسط او مهر و موم شده بودند، به طوری که تفاوت در مواضع آنها، در مقایسه با چهره‌های قرن دوم که دسترسی فوری به عیسی نداشتند نسبتاً ناچیز بود. دوم، هر چهار انجیل عهد جدید ارتباطات قابل تشخیصی با حواریون خاصی داشتند. در مقابل، اسناد بعدی مانند انجیل یهودا و انجیل مریم هیچ ارتباط قابل ردیابی و معتبری با حواریون ندارند.

سوم، می‌توان این مسیر الهیاتی را دنبال کرد، مسیر پروتو-ارتدوکس‌هایی که سنت رسولی را حفظ می‌کنند، در تضاد آشکار با ادبیات گروه‌های دیگری که الهامشان به وضوح با سنت رسولی ارتباطی ندارد. چگونه باید به رابطه بین خدا و کلامش فکر کنیم؟ اگرچه واضح است که خدا و کلامش از نظر هستی‌شناسی یکسان نیستند، با این وجود، کتاب مقدس بارها و به طرق بسیار متنوع اصرار دارد که باور به کلام خدا، باور به خداست

اطاعت از کلام خدا، اطاعت از خداست، نافرمانی از کلام خدا، نافرمانی از اوست و غیره. کتاب مقدس خدا و کلامش را با هم اشتباه نمی‌گیرد، بلکه کلام او را با اقتدار خود خدا تثبیت می‌کند.

آیا ممکن نیست، ۱۶.۲، که به انجیل ایمان داشت، بدون اینکه خیلی در مورد باور کردن همه چیز در کتاب مقدس وسواس داشت؟ مطمئناً، ممکن است؛ مردم همیشه این کار را می‌کنند، اما انجام مداوم آن ممکن نیست. یا به بیانی چشمگیرتر، دیر یا زود، فرد از خود می‌پرسد که آیا واقعاً به انجیل ایمان آورده می‌شود یا خیر. الگوی منسجم شهادت عهد عتیق، شهادت رسولان، آموزه‌های خود عیسی، نه تنها انجیل، بلکه پاسخ مناسب به انجیل را نیز به شکل خودافشاگری خدا در کلامش گره می‌زند.

بنابراین بله، ما معتقدیم که انجیل نجات‌بخش است، اما زندگی مسیحی چیزی فراتر از صرفاً باور به انجیل است. و بنابراین، خداوند معلمانی را به کلیسا داده است تا ما را مطالعه و تشویق کنند و ثمره کارهایشان را به اشتراک بگذارند، که یکی از اهداف آنها تحریک ما برای مطالعه حداقل خود کلام خداست. تصور دو نویسنده، ۱۷.۱، یکی الهی و دیگری انسانی، که پشت کتاب مقدس ایستاده‌اند، ذاتاً دشوار است.

چگونه باید در مورد این چیزها فکر کنیم؟ پاسخ این است که چالش، وفاداری به خود زبان کتاب مقدس است. اگر نویسنده انسانی را در مقابل نویسنده الهی قرار دهیم، اگر اهمیت یکی کم رنگ شود و به تبع آن دیگری کاهش یابد، و بسیاری از مدل‌های پیشنهادی مرتکب آن اشتباه شده باشند، مطمئناً این مشکل‌ساز است. گاهی اوقات، بحث به کلماتی کشیده شده است که اشتباه فهمیده شده‌اند.

برای مثال، در طول قرن‌ها، بسیاری از مردم از کتاب مقدس به عنوان کتابی که توسط خدا دیکته شده، صحبت می‌کردند، که برخی ممکن است در ابتدا فکر کنند نویسنده انسانی را به منشی‌ای که دیکته می‌کند، تقلیل می‌دهد. اما بهترین متکلمانی که از زبان دیکته استفاده می‌کنند، مانند کالوین، دیکته لاتین را نه برای توصیف وسیله ارائه، بلکه برای تأکید بر نتیجه انتخاب کردند؛ کلمات کتاب مقدس در واقع کلمات خدا هستند. در عین حال، آنها کاملاً بر سهم نویسندگان انسانی، بسیار فراتر از رونویسی صرف، اصرار داشتند.

من قبلاً در سخنرانی‌ها این را گفتم: ادعای اینکه کلیسا به دیکته الهی پایبند بوده است، اشتباه گرفتن استفاده از آن زبان با نتیجه کتاب مقدس است، اشتباه گرفتن آن با نظریه الهام، یعنی دیکته الهی کلام از طریق نویسندگان مکانیکی که به عنوان منشی‌های مکانیکی عمل می‌کنند، که به سادگی مشکل‌ساز است.

آیا روایت خلقت در پیدایش بسیار شبیه، به عنوان مثال، انوما الیش بابلی و دیگر اسطوره‌های ۱۸.۲ خلقت خاور نزدیک باستان به نظر می‌رسد؟ مطمئناً، شباهت‌های جالبی وجود دارد، اما استنتاج‌های مسئولانه از این شباهت‌ها مستلزم آن است که ما نه تنها تفاوت‌های بین پیدایش و اسطوره‌های بابلی، بلکه توضیحات احتمالی شباهت‌های ظاهری آنها را نیز ارزیابی کنیم. مطالعه دقیق، تفاوت‌های عظیم در جهان‌بینی بین پیدایش و انوما الیش را آشکار می‌کند.

آیا مسیحیان در برخورد هایشان، ۱۹.۱، با مرجعیت کتاب مقدس، بیش از حد به ژانرهای ادبی متنوع کتاب مقدس توجه نکرده‌اند؟ بله، این نظر منصفانه‌ای است. جدی‌ترین برخوردها با مرجعیت کتاب مقدس در محیط‌های اعترافی و کلیسای شکل گرفته است. بسیاری از بهترین برخوردها با ژانرهای ادبی کتاب مقدس در محیط‌های دانشگاهی شکل گرفته‌اند.

با این حال، در سال‌های اخیر، توجه بسیار بیشتری به برخی از روابط بین اقتدار و ژانر ادبی، به ویژه در نوشته‌های بروارد چایلدز و کوین جی. ون هوسر، با نتایجی تا حدودی متفاوت، معطوف شده است. اقتدار کتاب مقدس چگونه با ژانرهای ادبی متنوع کتاب مقدس مرتبط است؟

به عنوان مثال، ۱۹.۲، روایت‌های مرتب‌کننده کتاب مقدس، خط داستانی آن، روایت مرتب‌کننده آن، خط داستانی آن، نه تنها بقیه مطالب کتاب مقدس را مرتب می‌کند، بلکه آنچه را که در واقع اتفاق افتاده است و چگونگی منتهی شدن روایت به وحی تاریخی عیسی مسیح را مشخص می‌کند. جایی که قانون خواسته‌هایی را مطرح می‌کند، جایی که نبوت نصیحت، سرزنش، تهدید و پیش‌بینی می‌کند، هر ژانر نه تنها روش خاص خود را برای ایجاد جذابیت دارد، بلکه بر اقتدار خدا در طرح خواسته‌ها یا صدور مثلاً سرزنش تأکید می‌کند.

مطالعه دقیق نه تنها نحوه عملکرد هر ژانر را نشان می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد که چگونه هر کدام در کل برای ارائه یک وحی واحد نقش دارند. بنابراین، بله، مطالعه ادبیات از نظر انواع مختلف ادبیات کتاب مقدس و ژانرهای مختلف آن، برای کسانی که به کتاب مقدس ایمان دارند و به ژانرها توجه می‌کنند، ثمربخش است زیرا در کتاب مقدس چیزهای بسیار بیشتری نسبت به آنچه قبل از مطالعه دقیق آن ژانرها می‌دانستیم، بیان شده است. آیا مزایایی

مرتبط با ژانرهای ادبی بسیار متنوع کتاب مقدس وجود دارد؟ بله، مطمئناً، ۱۹.۳.

تنوع کتاب مقدس، همانطور که بری وب نقل قول کرده است، به ما می‌گوید که مرجعیت کتاب مقدس آنطور که من نقل می‌کنم، نوعی مرجعیت است که کاملاً با انسانیت ما درگیر می‌شود. این مرجعیت از درون انسانیت ما با ما صحبت می‌کند و نه فقط از بیرون، مانند آنچه در خلقت اتفاق می‌افتد. این مرجعیت مرجعیتی مبتنی بر قدرت خام نیست، بلکه مرجعیتی است که کاملاً ضعیف، تقلا و گناهکاری ما را تشخیص می‌دهد و با آن درگیر می‌شود.

به عبارت دیگر، این یک اقتدار از روی لطف است، نه یک اقتدار قهری. نقل قول بسته. از این نظر، کتاب مقدس با قرآن بسیار متفاوت است.

دومی خدایی را به تصویر می‌کشد که نمی‌تواند در بشریت مشارکت کند، مگر اینکه به نحوی خدای خود را تهدید کند. خدای کتاب مقدس نه تنها در سطوح مختلف با انسان‌ها تعامل دارد، که در ژانرهای ادبی متنوع منعکس شده است، بلکه با تبدیل شدن به یک انسان، به طور عالی تعامل می‌کند. نقل قول، او خدایی است که نه تنها به ما کتاب و پیامبر داده، بلکه خودش را نیز به ما داده است. نقل قول بسته.

منظور از وضوح کتاب مقدس چیست؟ از این گذشته، بسیاری از مردم کتاب مقدس را بسیار مبهم، ۲۰.۱ می‌دانند. این بدان معنا نیست که هر بخش از کتاب مقدس به یک اندازه قابل فهم است، یا نیازی به معلم نیست، یا اینکه هر نظری در مورد معنای متن به یک اندازه ارزشمند است.

بلکه، همانطور که عنوان کتاب مارک تامپسون می‌گوید، باید آن را به عنوان هدیه‌ای سخاوتمندانه از سوی پدری مهربان در نظر گرفت. خود زیان هدیه‌ای از جانب خداست و خدا تصمیم گرفته است که اهداف رستگاری‌بخش خود را به زبانی که به حاملان تصویر خود داده است، بیان کند. پسر مجسم خدا بارها و بارها وضوح کتاب مقدس را پیش‌فرض می‌گیرد، به ویژه هنگامی که بارها این سوال را می‌پرسد که آیا نخوانده‌اید؟ و خود روح القدس هم در ارائه کلام خدا و هم در دریافت آن نقش دارد.

خلاصه اینکه، نقل قول، وضوح کتاب مقدس آن ویژگی کتاب مقدس است که ناشی از این واقعیت است که در نهایت عمل ارتباطی مؤثر خداوند است و تضمین می‌کند که معنای این متن برای همه کسانی که با ایمان به آن روی می‌آورند، قابل فهم باشد. نقل قول بسته، مقاله مارک تامپسون. شماره 20

آیا این کمی دور باطل نیست، ۲۲.۱، که سعی کنیم با توسل به انجیل‌ها، که بخشی از کتاب مقدس هستند، دیدگاه عیسی را در مورد کتاب مقدس اثبات کنیم؟ مطمئناً، انسان می‌خواهد از دور باطل اجتناب کند، اما

یک دور باطل ملایم‌تر وجود دارد که هر زمان که چیزی را که ادعای اقتدار برتر در هر قلمرویی را دارد، در نظر بگیریم، اجتناب‌ناپذیر است. اگر برای توجیه آن اقتدار برتر، مجبور شویم به یک مرجع خارجی متوسل شویم، مسلماً آن مرجع خارجی جایگزین مرجع اول می‌شود، مرجعی که ما را ملزم به اثبات اقتدار خود با همان تنش می‌کند. انسان به یک قهقرا بی‌پایان فرو می‌رود.

، به عبارت دیگر، شما هرگز کار خود را با ایجاد مرجعی برای ایجاد، برای یافتن مرجعی که آن مرجع را ایجاد کند، به پایان نمی‌رسانید. بسیاری از محققان اجتناب‌ناپذیری نوعی چرخه نرم را تصدیق می‌کنند. در واقع، این مطلوب است.

فصل ۲۲ کتاب. سوال اول. در مورد استفاده عهد عتیق و عهد جدید از زبان قدیم توضیح دهید. ۲۳.۲
استفاده عهد جدید از زبان قدیم متنوع و پیچیده است.

گاهی اوقات، نویسندگان عهد جدید صرفاً از زبان عهد عتیق استفاده می‌کنند، بدون اینکه قصد ادعای چیزی بیش از یک ارتباط زبانی با متن عهد عتیق را داشته باشند. در مواردی که ارتباط مد نظر است، ممکن است به چندین نوع تعلق داشته باشد. به عنوان مثال، تحقق مستقیم یک پیش‌بینی خاص، یک پژوهش ظریف متنی، نوعی از سرشماری دقیق، معنای کامل‌تر، نوعی ارتباط گونه‌شناختی و موارد دیگر.

وقتی این نوع ارتباطات به دقت بررسی شوند، نحوه‌ی استفاده‌ی نویسندگان عهد جدید از عهد عتیق، بسیار معتبرتر از استفاده‌ی عهد عتیق در برخی از یهودیت‌های موزی قرن اول است. کارسون با استناد به فصل ۲۳ این کتاب استدلال می‌کند که عهد جدید از عهد عتیق مسئولانه استفاده می‌کند. اما این موضوع ساده‌ای نیست.

انجام شده است. او می‌گوید متنوع است. متنوع و گاهی پیچیده است.

، اما چگونه باید از کتاب مقدس به الهیات برسیم؟ ۲۴.۲. پیشنهادهای زیادی مطرح شده است، برای مثال صرفاً جمع کردن تمام آنچه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد. اصل. اصول از مثال‌های ملموس تا اصول انتزاعی جهانی.

پیروی از مسیر کتاب مقدس به جای آنچه کتاب مقدس به صراحت می‌گوید، و بسیاری موارد دیگر. در هر مورد، صرف نظر از مزایای پیشنهاد، خطراتی وجود دارد که باید از آنها اجتناب کرد. به عنوان مثال، اگر کسی، گزینه اصول‌گرایی را دنبال کند، به راحتی می‌توان اصول انتزاعی را که استنباط‌های احتمالی از متن هستند، معتبرتر از جزئیات ملموس متن دانست.

، آنچه باید ببینیم این است که اگرچه کتاب مقدس از اقتدار والایی برخوردار است، اما خداوند به ما معلمان تاریخ طولانی کلیسا، یعنی خود روح، را نیز عطا کرده است، و البته ذهن و قلب ما را نیز، نه چندان برای تدوین اصولی که با آنها بر متن تسلط یابیم، بلکه برای اینکه بتوانیم بر متن تسلط یابیم، در زیر آن زندگی کنیم، آن را تنفس کنیم و با آن زندگی کنیم، همانطور که به دنبال وفاداری به توصیه خدا هستیم. در مورد بدبینی گسترده در مورد توانایی شناخت هر چیزی در مورد خدا، چه باید بگوییم، ۲۵.۱؟ معرفت‌شناسی مطالعه دانش و اینکه چگونه می‌دانیم یا فکر می‌کنیم می‌دانیم، موضوعی همواره چالش‌برانگیز است. این موضوع نه تنها در پس پیچیده‌ترین بحث در مورد آنچه که ما از دانش خدا منظور داریم، بلکه در پس عیسی که مرا دوست دارد، این را می‌دانم، نیز نهفته است، زیرا کتاب مقدس این را به من می‌گوید.

از آنجا که این موضوع در حال حاضر بسیار آشفته است، خواندن مروری بر برخی از جنبه‌های کلیدی که در حال حاضر مورد بحث یا نادیده گرفته می‌شوند، مفید است. بیشتر توضیح دهید. ارزش معرفت‌شناسی چیست، ۲۵.۲؟ موارد زیادی وجود دارد.

از جمله آنها تمرکز بر آنچه باور موجه یا تضمین شده را تشکیل می‌دهد، است. من ممکن است باور داشته باشم که ماه از پنیر سبز ساخته شده است، اما آیا این باور تضمین شده است؟ من ممکن است باور داشته باشم که عیسی تنها راه به سوی خداست، اما آیا این باور توجیه شده است؟ به زودی طیف گسترده‌ای از سوالات، شناختی، اخلاقی، انسانی، محدودیت و گناه، شواهد، عقل، حواس الهی، حس الوهیت که خدا در انسان قرار داده است، وحی، ایمان، که با این رشته گره خورده‌اند، را یاد می‌گیریم. به عبارت دیگر، معرفت‌شناسی شایسته مطالعه است، اما در واقع موضوع پیچیده‌ای است.

آیا کلمه‌ای مانند «خطاناپذیر بودن» (۲۸.۱) (اگر مجبور باشد با قیدها، تمایزها و تعاریف بی‌پایان، مانند بیانیه شیکاگو، تقویت شود، جذابیت و کاربرد خود را از دست نمی‌دهد؟ پاسخ: چنین قیدها و تمایزهایی تقریباً هر اصطلاح سنگینی را که در گفتمان الهیاتی استفاده می‌شود، از جمله، مثلاً خدا، توجیه، حقیقت، روح، فیض و غیره، احاطه کرده است. در هر مورد، می‌توان یک تعریف ساده ارائه داد، اما در جریان تبادلات بعدی، جای تعجب نیست که باید تمایزهای دقیق و گاهی فنی ایجاد شود. بنابراین، چه تعریف ساده‌ای از «خطاناپذیر بودن» می‌توان ارائه داد؟ او به پل هلم، فیلسوف بریتانیایی و مسیحی انجیلی، استناد می‌کند.

به قول پاول هلم، یک نقل قول، یک عبارت، یک ادعا، یک جمله، یک فرمول، یک سند، یا بخشی از یک سند را می‌توان مصون از خطا دانست اگر کاملاً درست و بدون خطا باشد، نقل قول نزدیک. اوه خدای من. امروزه، صحبت از جوامع تفسیری رو به افزایش است.

معنی آن چیست؟ در غرب، قلمرو فردگرایی حاکم است، بنابراین جوامع تفسیری گروه‌هایی از مسیحیان هستند که با هم کتاب مقدس را مطالعه می‌کنند. چنین چیزی باید یک فرقه باشد، ممکن است عمدی باشد یا ممکن است بحث‌های برنامه‌ریزی شده‌ای وجود داشته باشد. تمایل به گوش دادن به تفاسیر متنوع در جوامع تفسیری، در زمانی که مسیحیان بیشتر و بیشتر از مسیحیت جهانی آگاه می‌شوند، جذاب‌تر می‌شود.

سپس یک سوال مهم مطرح می‌شود، ۲۹.۲. بنابراین، آیا همه تفاسیر جوامع مختلف به یک اندازه معتبر و به یک اندازه وفادار هستند؟ شما دقیقاً روی خطر انگشت گذاشتید. از یک سو، این عملی واقع‌گرایانه و فروتنانه است که بپذیریم هیچ فردی، هیچ جامعه‌ای به تنهایی، تمام حقیقت را در مورد هیچ متن یا مضمون کتاب مقدسی ندارد. گوش دادن به یکدیگر قطعاً منجر به تفسیری غنی‌تر از آنچه در غیر این صورت ممکن بود، خواهد شد.

گاهی اوقات، اصلاحات سراسری را صادر می‌کند. اما از سوی دیگر، نمی‌توان از یادآوری هشدارهای فراوان کتاب مقدس در مورد آموزه‌های نادرست، مسیح دروغین و انجیل‌های دروغین خودداری کرد. همه تفاسیر یکسان نیستند.

و صرفاً به این دلیل که یک تفسیر یا تفسیر دیگر توسط یک جامعه خاص حمایت و محافظت می‌شود، از آن پیروی نمی‌کند، بلکه به کتاب مقدس وفادار است. و بنابراین ما به گوش دادن دقیق به دیگران، به بازخوانی کتاب مقدس، مشتاق اصلاح شدن، اگر این به معنای وفاداری بیشتر است، بازمی‌گردیم و همچنین مشتاق نیستیم که بر فراز کتاب مقدس بایستیم، گویی ما داوران نهایی هستیم، در حالی که در واقع، کتاب مقدس باید، بر فراز ما بایستد و قاضی ما باشد. وقتی به نظر می‌رسد علم و کتاب مقدس در تضاد هستند، 30.2 مسیحیان چگونه باید پیش بروند؟ چگونه باید مسائل را به طور کامل بررسی کنند؟ کتاب مقدس مرجعیت

نهایی دارد، اما از این نتیجه نمی‌گیرد که تفسیر خاصی از کتاب مقدس که ما در این یا آن نکته طرفدار آن هستیم، مرجعیت نهایی دارد.

بنابراین، ما بین کتاب مقدس و تفسیر خود از کتاب مقدس تمایز قائل می‌شویم. بنابراین، مهم است که با فروتنی رفتار کنیم و خوب گوش دهیم. تاریخ علم همچنین به ما یادآوری می‌کند که نظریه‌های علمی نه تنها در تئوری قابل تجدیدنظر هستند، بلکه علم اینگونه کار می‌کند، بلکه اغلب در واقعیت نیز مورد تجدیدنظر قرار گرفته‌اند.

بنابراین، برای مسیحیان، هر چقدر هم که عمیقاً درگیر تعهدات علمی فعلی باشند، مهم است که از هر نظریه‌ای که ادعای علمی بودن دارد، مرعوب نشوند. در عین حال، باید اجازه دهیم که هم کتاب مقدس و هم علوم مختلف با اصطلاحات خودشان صحبت کنند و از افزودن به آشفتگی هرمنوتیکی با مجبور کردن کتاب مقدس به پرداختن به علم روز خودداری کنیم. در سطحی عمیق‌تر، آیا کتاب‌های مقدس کتاب مقدس و ادیان مختلف جهان، آیا کتاب‌های مقدس کتاب مقدس ادیان مختلف جهان واقعاً یک چیز را نمی‌گویند؟ اگرچه این دیدگاه در جهان غرب بسیار رایج است، به ویژه به دلیل تعهد غرب به اشکال خاصی از کثرت‌گرایی، اما واقعاً نمی‌توان از آن به طور مسئولانه دفاع کرد.

این متون مقدس مختلف، نه تنها در سطح جزئیات، بلکه در عمیق‌ترین مسائل مفهومی، آنقدر چیزهای متناقض می‌گویند که ادعای اینکه آنها واقعاً یک چیز را می‌گویند، بی‌معنی است. مسیح پسر خداست، یا نیست، یا همه ما به یک معنا پسران خدا هستیم. یک خدا وجود دارد، یا خدایان زیادی وجود دارند.

آیا یک خدا وجود دارد، اسلام ساده، یا یک خدا وجود دارد، تثلیث‌گرایی پیچیده مسیحیت؟ شکافی پرنشدنی بین خالق و مخلوق وجود دارد، یا اینکه ما انسان‌ها در مسیر تبدیل شدن به خدا هستیم. ما با اعمال خود و با لطف محض نجات می‌یابیم، و غیره و غیره.

علاوه بر این، کسانی که ادعا می‌کنند همه این کتاب‌های مقدس واقعاً یک چیز را می‌گویند، نه تنها به شعور مؤمنان معتقد در سنت‌های مختلف توهین می‌کنند، بلکه گفتگوی جدی بین مذاهب مختلف را غیرممکن می‌سازند. گفتگوی جدی از پنهان کردن اختلافات خودداری می‌کند، بلکه در عوض با احترام و مهربانی به آنها می‌پردازد، اما بدون اینکه اعتقاد مسیحی را از دیدگاه ما قربانی کند. آیا این می‌تواند آخرین سوال باشد؟ آیا ادعاهای خودگواهی کتاب مقدس، ۳۱.۲، نوعی استدلال دایره‌ای نیست که در ابتدا خود را محکوم می‌کند؟ دوباره به آن بحث دایره‌ای برمی‌گردیم.

آنها دور باطل هستند اما نه به طور باطل. هنگام اثبات اعتقاد به یک مرجع نهایی، تا حدی دور باطل اجتناب‌ناپذیر است. در عوض، هنگام اثبات اعتبار کتاب مقدس بر اساس یک مرجع بزرگتر خارج از کتاب مقدس، خود کتاب مقدس مرجع برتر نخواهد بود.

بنابراین، او همان حرف قدیمی را تکرار می‌کند. آیا مسیحیان به قرآن، کتاب مقدس خود، به همان شیوه‌ای نگاه می‌کنند که به انجیل، کتاب مقدس خود، نگاه می‌کنند؟ شباهت‌ها سطحی هستند. واضح است که هر یک از این دو دین کتابی دارند که توسط پیروان خود مقدس و معتبر تلقی می‌شود.

با این وجود، تفاوت‌ها فراگیرتر و مهم‌تر از شباهت‌ها هستند. برای مثال، کتاب مقدس توسط نویسندگان انسانی زیادی به سه زبان در طول یک هزاره و نیم نوشته شده است. اگرچه از ژانرهای ادبی بسیاری تشکیل شده است، اما در مجموع، کتاب‌های مقدس، یک قوس تاریخی را از خلقت تا پایان ترسیم می‌کنند.

مسیحیان معتقدند که نویسندگان بشری چنان تحت تأثیر روح القدس بوده‌اند که متن حاصل واقعاً الهام گرفته از خداست. در مقابل، مسلمانان معتقدند که کلمات قرآن، که همگی به زبان عربی هستند، عیناً کلمات خدا بدون واسطه انسان هستند. محمد به عنوان فردی الهام گرفته یا دارای واژگان متمایز یا موارد مشابه تلقی نمی‌شود.

هیچ مفهومی از دو نویسنده وجود ندارد. کلمات قرآن، کلمات خدا هستند. محمد صرفاً وسیله‌ای از جانب خدا در طول تقریباً ۲۲ سال بود تا آنچه را که خدا از طریق فرشته جبرئیل به او داده بود، حفظ و ثبت کند.

از نظر ساختاری، قرآن، به جای ترسیم یک قوس تاریخی از طریق تجربیات فراوان مردان و زنان، خود را در سوره، فصل، با طولی به طور کلی نزولی، ارائه می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق مطالب آن، خطاب ۱۱۴ مستقیم خداوند به انسان‌ها، معمولاً با تمرکز بر دستور و نصیحت، است. من شما را به خاطر این کتاب خوب تحسین می‌کنم و از شما به خاطر گوش دادن به این دوره آموزشی که در آن خدای بزرگ و مهربان را که خود را به همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها در وحی عمومی و به برخی از انسان‌ها که گاهی اوقات در برخی مکان‌ها در وحی خاص به طرق مختلف، اما به ویژه در تجسم پسرش و در کتاب مقدس، آشکار می‌کند، مطالعه کرده‌ایم، سپاسگزارم. از شما به خاطر تماشا و گوش دادن متشکرم.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه بیستم، سوالات متداول دی. ای. کارسون از کتابش، «*قندار پایدار کتاب مقدس مسیحی*» است.